

راهبرد پلیس برای توسعه امنیت پایدار: پیشگیری از بزه کاری و بزه دیدگی افراد با اطلاع رسانی انتظامی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۱۱/۲۵

علی کریمی خوزانی*

چکیده:

توسعه امنیت پایدار نتیجه مستقیم و یا غیرمستقیم اقدامات و عملکرد مجموعه قوای سه‌گانه یک کشور است. بدین منظور توسعه امنیت پایدار، با همکاری و هماهنگی نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی مختلف در این عرصه امکان‌پذیر می‌باشد. اما مأموریت اصلی پلیس در حیطه امنیت موجب شده که به تحقق امنیت پایدار توجه ویژه‌ای بشود و وظایف اختصاصی و جدیدی برای خود تعریف نمایند. در این زمینه یکی از الزامات توسعه پایدار، جلوگیری از بزه کاری و بزه دیدگی افراد می‌باشد. لذا پلیس علاوه بر منظور نمودن وظیفه پیشگیری در مأموریت‌های خود، راهبردها و راهکارهای اجرایی را اتخاذ می‌نماید. در این میان اطلاع‌رسانی انتظامی به عنوان یک راهکار، مورد توجه پلیس جامعه محور بوده و پلیس در این گونه اطلاع‌رسانی‌ها، با شناسایی انواع مختلف موضوعات اطلاع‌رسانی (طرح‌ها و خدمات انتظامی؛ توصیه‌ها و هشدارهای پلیسی؛ قواعد اجتماعی و آموزش مهارت‌های زندگی؛ آموزه‌های دینی) از یک طرف از بزه کاری افراد جلوگیری می‌کند و از طرف دیگر مانع بزه دیدگی افراد می‌گردد. بدین منظور این مقاله با روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری به مرور ادبیات موضوع و نقش و جایگاه پلیس در انواع اطلاع‌رسانی انتظامی و نیز جایگاه این گونه اطلاع‌رسانی‌ها در پیشگیری از وقوع جرم پرداخته است.

کلید واژه‌ها:

امنیت پایدار، پیشگیری از وقوع جرم، اطلاع‌رسانی انتظامی

*. دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد، محقق و پژوهشگر

مقدمه

پلیس از لحاظ زمانی و به جهت تامین امنیت و چگونگی برخورد با جرم و جنایت به دو دوره تقسیم می‌شود؛ دوره ای که از ابتدای دهه ۱۹۷۰ با طرح نظریه پلیس جامعه محور شروع شده و ویژگی‌های جدیدی در عملکرد، وظایف و حتی نحوه ارزیابی از پلیس به وجود آورده است. در این میان پلیسی که در مقابل نظریه پلیس جامعه محور کماکان به روش سابق به دنبال تحقق امنیت و برخورد با جرم و جنایت است، با عنوان پلیس سنتی از آن نام برده می‌شود.

در پلیس سنتی، پلیس در عرصه عملکرد، با وقایع سروکار داشته و صرفاً در خصوص جرایم، زمانی مداخله می‌نمود که جرم و جنایتی اتفاق می‌افتاد ولیکن پایه و اساس پلیس جامعه محور، مسایل و نگرانی‌های شهروندان است که با تأیید بر کاهش ترس از جرم و جنایت و حل مشکلات مربوط به جرایم، به پیشگیری از وقوع جرم نظر می‌افکند (هس و میلر، ترجمه کلهر، ۱۳۸۲، صص ۶۳-۴۷). پلیس سنتی شیوه‌های ارزیابی کارکنان را بر شمارش میزان افراد دستگیر شده و یا تعداد برگه‌های جریمه رانندگی استوار می‌نمود ولیکن سازمان‌های پلیس، امروزه موفقیت را در رفع اثربخش مشکلات، کاستن ترس اهالی محل از وقوع جرم و با احتساب افزایش همکاران جدید برای پیشگیری از جرایم مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهند (اندرسون، ترجمه بغدادی، ۱۳۸۳، صص ۱۶۴-۱۶۲).

هم چنین مفهوم جرم، در پلیس جامعه محور به نسبت پلیس سنتی دچار تغییراتی شده است. پلیس سنتی در مقام اجرای قانون، جرم را به رفتارهایی اطلاق می‌کند که انجام آن در قانون مجازات داشته باشد. در حالی که پلیس جامعه محور، در مقام پیشگیری و توجه به نگرانی‌های شهروندان، جرم را به رفتارهایی اطلاق می‌نماید که مغایر با هنجارها و معیارهای مورد پذیرش جامعه باشد.

اگرچه پیشگیری از وقوع جرم به عنوان وظیفه پلیس جامعه محور در مقام مقایسه با پلیس سنتی به آن اشاره می‌شود؛ ولی از این نکته نباید غافل بود که پیشگیری در قالب مفاهیم کیفری در پلیس سنتی مطرح بوده و تعلق داشتن پیشگیری کیفری به پلیس سنتی نیز دلیلی بر منتفی شدن آن در دوره جدید نیست.

پیشگیری کیفری با تاکید بر تأثیر اعمال کیفری و اجرای سریع و حتمی آن، سعی می‌نماید بر افکار عمومی جامعه تأثیر گذارده تا از ارتکاب جرم پیشگیری نماید، این نوع پیشگیری با مدیریت و سیاست‌گذاری قوه قضائیه به پیش می‌رود و پلیس، به عنوان ضابط قضایی و با مأموریت کشف جرم، دستگیری بزه کاران و به‌طور کلی با واژه سرکوبی جرم و مجرم در چارچوب نظام کیفری، از طریق اجرای قانون، درصدد پیشگیری از جرائم است. از طرف دیگر هرگونه فعالیتی برای تحدید شکل‌گیری جرم و بزه در اندیشه بزه‌کار و ساحت جامعه و هم‌چنین تحدید اعمال مجرمان از راه دشوار ساختن و پایین آوردن احتمال وقوع بدون این که به کیفر و جزای آن متوسل شوند را پیشگیری غیر کیفری می‌نامند. اندیشمندان جدید و واقف به شیوه‌های جدید پیشگیری معتقدند که پلیس در صورتی که می‌خواهد وظیفه ذاتی خود در پیشگیری را به خوبی ایفاء نماید، باید درصدد اقداماتی باشد که از قانون فراتر است. این اندیشمندان اشاره می‌نمایند که پیشگیری، حکم می‌کند به جای واکنش در برابر جرائم و سایر فوریت‌ها، پلیس درصدد مطالعه زمینه‌ها و شرایطی باشد که منجر به این فوریت‌ها می‌شود، تا با اشراف به این شرایط بتواند متغیرها را به نفع خود دستکاری و از شرایط مذکور پیش بیافتد (خیرآبادی، ۱۳۸۶، صص ۱۳۰-۱۲۳).

بر این اساس می‌توان برای پلیس علاوه بر اجرای قانون به عنوان ضابط قضایی، نقش مدیریت و سیاست‌گذاری در امر پیشگیری غیر کیفری در نظر گرفت. لذا در این مقاله هر جا از پیشگیری نام برده شده منظور پیشگیری غیر کیفری می‌باشد که در پلیس جامعه محور مطرح است.

طرح مسأله

پلیس در مواردی به دلیل گستردگی اقدامات در عرصه پیشگیری و هم‌چنین تنوع متولیان این امر در قوانین کشور و سازمان‌های دخیل، به عنوان همکاری و هماهنگی با آنها، ممکن است در مواردی تحت مدیریت و سیاست‌گذاری آنها فعالیت نماید. البته این امر مورد اعتراض پلیس نخواهد بود. ولیکن فراتر از این‌گونه موارد، لازم است پلیس جهت رفع دغدغه‌های خود و اثربخشی بیشتر اقدامات در راستای تحقق امنیت پایدار، به طور مستقیم

وارد عرصه مدیریت و سیاست‌گذاری پیشگیری از وقوع جرم شود، بدین منظور پلیس نیازمند اتخاذ راهبردی جهت مدیریت و رهبری جامعه در مسیر پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد. راهبردی که مسلماً از راهبرد کلی پلیس جامعه محور جدا نبوده و از درون آن استخراج می‌شود.

راهبرد پلیس جامعه محور بر دو پایه استوار است. اولین پایه راهبرد را لزوم برقراری تعامل پلیس با ارکان مختلف جامعه به منظور امکان خدمت‌گذاری بهتر به مردم تشکیل می‌دهد و دومین پایه راهبرد جامعه محوری، عمومی تلقی کردن مقوله نظم و امنیت اجتماعی است (وروائی، ۱۳۸۴، صص ۱۹ و ۲۰).

لذا می‌توان راهبرد پلیس در عرصه پیشگیری را بدین شکل مطرح نمود که پلیس در نظر دارد با ارتقاء سطح آگاهی‌های ارکان مختلف جامعه، آن‌ها را به سمت مسیری راهبری نماید که در نتیجه آن، از جرم و جنایت پیشگیری شود و بدین وسیله امنیت پایدار در عرصه جامعه محقق گردد. بدین منظور پلیس می‌بایست موضوع‌های مختلفی را که اطلاع‌رسانی آن‌ها موجبات ارتقاء سطح آگاهی‌های ارکان مختلف جامعه را فراهم می‌آورد، شناسایی و اقدامات خود را با توجه به ملاحظات هر کدام، تعریف نماید.

اطلاع‌رسانی انتظامی یکی از ابزارهای پلیس برای تقویت تدابیر پیشگیرانه انتظامی به منظور توسعه امنیت پایدار است که در کشورهای مختلف، به صورت‌های متفاوتی از آن استفاده می‌کنند. مطالعات متعدد به عمل آمده نشان می‌دهند که انجام تدابیر پیشگیرانه انتظامی صرف توسط پلیس، اثر محدودی در زمینه پیشگیری از جرم دارد، اما در صورتی که پلیس در کنار این اقدامات پیشگیرانه، اطلاع‌رسانی انتظامی را در دستور کار خود قرار دهد و به جامعه منتقل کند، اثرات پیشگیرانه اقدامات پلیس تشدید شده و طیف وسیع‌تری از مردم را تحت پوشش قرار خواهد داد (محمد نسل، ۱۳۸۸).

شناسایی انواع اطلاع‌رسانی انتظامی

اطلاع‌رسانی انتظامی با هدف پیشگیری از وقوع جرم تدوین می‌گردد، لذا لازم است عوامل و زمینه‌های ارتکاب جرم به منظور شناسایی موضوعات اطلاع‌رسانی و هم‌چنین توجه به رفع آن‌ها در اطلاع‌رسانی‌ها احصاء شود.

گاهی اوقات انسان از نظر اجتماعی، اقتصادی و یا روانی در چنان وضعیت غیر عادی و نامتعادلی قرار می‌گیرد که آگاهانه و یا ناآگاهانه دست به ارتکاب جرم می‌زند؛ عوامل مختلفی در به وجود آوردن این وضعیت دخیل هستند که برخی از آن‌ها را باید در ناتوانی‌های خود فرد، جستجو نمود؛ فقدان آگاهی نسبت به قواعد اجتماعی، آموزه‌های دینی و یا فراموش نمودن آن‌ها، عدم دارا بودن مهارت‌های زندگی و به تبع آن، عدم توانایی در حل مشکلات روزمره، از عواملی است که افراد را به مجرمان بالقوه تبدیل می‌کند.

به فعلیت در آوردن اراده مجرمانه نیز در افراد زمانی ایجاد می‌شود که ضمن دستیابی به روش‌ها و ابزار ارتکاب جرم، بتوانند به توجیه اخلاقی و منطقی عمل مجرمانه خود اقدام نمایند؛ براساس رهیافت تصمیم‌گیری منطقی، مجرمان برای جلوگیری از احساس شرم و گناه به توجیه منطقی و اخلاقی عمل خود اقدام می‌نمایند. (Clark, 1997, p. 17) از سوی دیگر، مجرم جهت تحقق عمل مجرمانه به دنبال تحقق شرایط وضعی ارتکاب جرم می‌گردد که با کمی جرح و تعدیل، عوامل آن را بر اساس نظریه فرصت جرم (محمد نسل، ۱۳۸۶، ص ۲۹۶) می‌توان به شرح ذیل بر شمرد:

۱- آماج مناسب؛ شخص، مال و مکانی که به دلیل ویژگی‌های خاص خود به آماج بالقوه جرم تبدیل می‌شود.

۲- فقدان محافظ کارآمد؛ منظور از محافظ، هر شخص یا حیوان یا شیء است که حضور موثر آن موجب بازدارندگی از جرم می‌شود.

از طرف دیگر بزه دیده در زمان وقوع جرایم کم اهمیت یا به اصطلاح خرد، به دلیل عدم آگاهی از فرایند شکایت و یا پیگیری احقاق حق، از شکایت خود صرف‌نظر می‌نماید، این امر موجبات تحریک مجرم به انجام جرایم بزرگتر می‌شود.

پلیس با توجه به مطالب مطروحه، جهت کاهش جرم و جنایت، یا به عبارتی تحقق امنیت پایدار، چهار موضوع را می‌تواند محور اقدامات خود قرار دهد که عبارتند از:

الف) جلوگیری از شکل‌گیری مجرم با اطلاع‌رسانی قواعد اجتماعی و آموزش مهارت‌های زندگی به افراد؛

ب) جلوگیری از راضی شدن وجدان مجرم به ارتکاب جرم با اطلاع‌رسانی آموزه‌های دینی؛

- ج) اطلاع رسانی توصیه‌ها و هشدارهای پلیسی به بزه دیدگان بالقوه به منظور تقلیل زمینه‌های وضعی وقوع جرم؛
- د) اطلاع رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی به مردم جهت آشنایی آن‌ها به وظیفه و کار پلیس و افزایش احتمال مراجعه بزه دیدگان جرایم خرد جهت ارائه شکایت.

اطلاع رسانی قواعد اجتماعی و آموزش مهارت‌های زندگی

تحولات سریع به واسطه بسط و گسترش فناوری اطلاعات از یکسو و دخالت عوامل جمعیتی هم چون مهاجرت، جوانی جمعیت و بسط و گسترش شهرنشینی در سایه اشاعه فرهنگی در سطح بین‌المللی، شرایطی را برای زندگی اجتماعی فراهم آورده که انطباق با آن شرایط، همواره موجب اختلالاتی بوده که به نوبه خود، در افزایش آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها و به تبع آن ارتکاب جرائم نقش دارند. از این‌رو، رویکرد و گرایش به آموزش و بسط و توسعه مهارت‌های زندگی (معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۳، ص ۱۸) به عنوان عامل پیشگیری از بزه کاری افراد، می‌تواند مورد توجه پلیس قرار گیرد.

به همین جهت، امروزه از پلیس اجتماعی سخن به میان می‌آید و در این راستا، پلیس جهت‌گیری فعالیت‌های خود را تغییر داده و بعضاً به بررسی نقش بیکاری، تعارض فرهنگ‌ها و نقش شکست تحصیلی می‌پردازد. امروزه به دلیل پیچیده شدن فرایند هم‌نوا سازی و جامعه‌پذیری، همراه با بحران نهادهای جامعه‌پذیر (مانند مدرسه، خانواده... .) در یک چشم انداز پیشگیرانه، گرایش به بازگشت به سوی نهادهای پلیسی جهت رفع این مشکل و برعهده گرفتن برخی از جنبه‌های این کارکرد است. به عنوان مثال مداخله پلیس در فعالیت‌های تربیتی، آموزشی و خدمات اجتماعی. بنابراین، نهادهای پلیسی کم و بیش خود را در نقش جایگزین، جهت رفع ناتوانی و ضعف سازوکارهای اجتماعی متعهد می‌بینند. از طرفی، این وضعیت موجب تنوع انتظارات اجتماعی از نهادهای پلیسی شده است. (رجبی پور، ۱۳۸۸)

بدین منظور یکی از خدمات مشاوره ای مراکز مشاوره ناجا و هم چنین دایره اجتماعی، مددکاری و مشاوره کلانتری‌ها، ارائه مشاوره‌های اجتماعی و یا روانی به افراد مراجعه کننده، به قصد آموزش آن‌ها در خصوص مهارت‌های زندگی می‌باشد. هم چنین در سطح گسترده‌تر و فراتر از توجه صرف به مراجعه کنندگان، با گسترده نمودن دایره مخاطبین خود، پس از

شناسایی وضعیت و شرایط فرهنگی، اجتماعی حوزه استحقاقی و کسب آگاهی از نیازمندی‌های مهارتی مورد نیاز برای شرایط مذکور، با انتخاب ابزارهای مختلف آموزشی مانند سخنرانی و یا چاپ بروشور، به دنبال ارتقاء مهارت‌های زندگی افراد می‌باشند.

این‌گونه آموزش‌ها، برای افزایش تأثیرگذاری، اطلاع‌رسانی قواعد اجتماعی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. این نوع اطلاع‌رسانی بر پایه پیشگیری اجتماعی، با قرار دادن محور اقدامات بر روی افراد جامعه، به دنبال هماهنگ سازی آن‌ها با قواعد اجتماعی است. (عبدی و شرافتی پور، ۸۶ و ۱۳۸۵، ص ۱۸۷) قواعدی که مبتنی بر جلوه‌های زندگی در شرایط موجود، شامل قوانین رسمی و همچنین هنجارها و معیارهای غیر رسمی، از عوامل پیشگیری از شکل‌گیری اراده مجرمانه در افراد است.

برای نمونه اختلافات و مشکلات ساکنین آپارتمان‌ها به دلیل عدم آشنایی آن‌ها به فرهنگ آپارتمان‌نشینی، موجبات سلب آسایش و آرامش ساکنین آپارتمان را فراهم آورده که می‌تواند موجب ازدیاد عصبانیت و جرایم خشونت‌آمیز شود. بدین منظور ایجاب می‌کند، آموزش و اطلاع‌رسانی قواعد زندگی جمعی در محیط آپارتمان‌ها مورد توجه قرار گیرد. (بیات و دیگران، ۱۳۸۷)

معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در سال‌های گذشته، با چاپ و توزیع بروشوری در خصوص فرهنگ آپارتمان‌نشینی، با هدف فوق، قسمتی از قوانین و هم چنین هنجارهای مربوط به زندگی اجتماعی در آپارتمان‌ها را که فقدان آگاهی نسبت به آن‌ها معمولاً به عنوان عامل اختلاف بین ساکنین است را اطلاع‌رسانی نمود. (کریمی خوزانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱)

لذا می‌توان بر اساس نوع آموزش‌ها و موارد اطلاع‌رسانی اذعان داشت؛ هدف این رویکرد پیشگیرانه بهبود کیفیت زندگی افراد است (پروین، ۱۳۸۵ و ۸۶، ص ۱۴۸) از این طریق وضعیت مجرمان بالقوه اعتلا یافته که به طور مستقیم این پیشگیری در مقام جلوگیری از بزه کاری افراد جامعه است (محمدی خامنه، ۱۳۸۴، ص ۱۰)

اطلاع‌رسانی آموزه‌های دینی

کلارک توجیه اخلاقی عمل خلاف توسط مجرمان را عنصر چهارم در تصمیم‌گیری منطقی آن‌ها در ارتکاب به جرم می‌داند (Clark, 1997). به عبارت دیگر مجرم برای این که احساس

شرم و گناه نکند، با توجیه اخلاقی و منطقی عمل خلاف، به دنبال راضی نمودن وجدان خود می‌باشد.

در این جا باید بین تصمیم گرفتن فرد برای بزه کاری^۱ با تصمیم‌گیری حادثه‌ای^۲ که فرد بر اساس موقعیت و شرایط آنی به جرم مبادرت می‌ورزد، تفاوت قائل شد. تصمیم‌گیری نوع اول، یک فرایند چند مرحله‌ای است (همان منبع)؛ یکی از مراحل مهم آن، پس از تحریک شدن و تصمیم گرفتن به ارتکاب عمل مجرمانه و فراگیری روش اجرا و تهیه ابزار، توجیه نمودن اخلاقی و منطقی عمل مجرمانه است؛ با این کار مجرم، وجدان خود را به منظور دوری از احساس شرم راضی می‌نماید.

حس شرم، احساس اخلاقی است که در تعامل فرد و جامعه بروز می‌کند و فرد به‌عنوان موجودی اجتماعی با آن مواجه می‌شود؛ تحقق این حس، محصول سنجش و ارزیابی رفتار خویش با مجموعه ارزش‌ها و هنجارهایی است که فرد را احاطه کرده‌اند. چنین نظام اخلاقی متشکل از مجموعه ارزش‌های خوب و بد است که فرد به آن‌ها ایمان دارد. بنابراین شخص زمانی شرمسار می‌گردد که در یک ارزیابی درونی بر مبنای شاخص‌های اخلاقی، رفتار خود را مورد تأیید تلقی نمی‌کند. در این ارزیابی خود شخص نقش اصلی را ایفاء می‌کند. البته بدیهی است که شخص، بخش اعظمی از معیارهای مقبول خود را از جامعه و نظام اخلاقی آن وام می‌گیرد، اما در تحقق حس شرم، این جامعه نیست که به واسطه طرد یا دفع یک رفتار، نقش اصلی را ایفاء می‌کند، بلکه خود فرد است که با وقوف به چنین وضعیتی به داوری در رابطه با خویش پرداخته، به طرد یا قبول رفتار خویش اقدام می‌کند. (غلامی، ۱۳۸۸)

پلیس در این نوع از پیشگیری با تکیه بر مجرم و بدون نیاز به شناسایی آن‌ها، با اطلاع‌رسانی آموزه‌های دینی و اخلاقی در سطح جامعه، مانند مشارکت فعال در تهیه فیلم‌های سینمایی و یا سریال‌های تلویزیونی و...، به دنبال تأثیرگذاری بر مجرمان و منصرف نمودن آن‌ها از طریق متزلزل نمودن توجیهات به ظاهر منطقی و یا حتی اخلاقی افراد مجرم می‌باشد. در اطلاع‌رسانی آموزه‌های دینی با یادآوری نمودن و بازخوانی این گونه آموزه‌ها و

1. Involvement Decision

2. Event Decision

به عنوان نهی از منکر، افراد با آثار و نتایج دنیوی و اخروی عمل مجرمانه آشنا شده، و بدین ترتیب با باقی نماندن هیچ عذر قابل توجیه، با کاهش جذابیت عمل مجرمانه، از ارتکاب جرم پیشگیری شود.

لذا پلیس می‌بایست در این گونه اطلاع‌رسانی‌ها، با مطالعه در جرم‌های مختلف و بررسی دقیق توجیهات اخلاقی و منطقی افراد مجرم، با شناخت کامل و ایجاد یک چارچوب منسجم، به گردآوری آموزه‌های دینی و اطلاع‌رسانی آن‌ها بپردازد و بدین وسیله با متزلزل نمودن پایه‌های منطقی و اخلاقی این گونه توجیهات، با ایجاد حس شرم، مانع از شکل‌گیری اراده مجرمانه گردند.

اطلاع‌رسانی توصیه‌ها و هشدارهای پلیسی

این نوع اطلاع‌رسانی به دنبال آگاهی دادن به مردم نسبت به جرایم و شیوه‌های اخاذی از سوی مجرمان، به دنبال تقلیل موقعیت‌های وقوع جرم می‌باشد.

تحقیقات نشان داده است که بسیاری از جرایم ارتكابی به وسیله مجرمان، بر اثر ضعف سیستم ایمنی و یا سهل انگاری مردم و خانواده‌ها انجام می‌گیرد. مطالعات انجام شده توسط کن پیس و همکاران (به نقل از Clark, 1997) نشان می‌دهد که به طور مرتب برخی مردم و اهداف دچار بزه دیدگی می‌شوند؛ لذا آگاهی آن‌ها از اصول، فنون و روش‌هایی که موجب ایمنی خود و اموالشان در مقابل تهدیدهای مجرمان و فرصت طلبان می‌گردد، قدمی موثر و پیشگیرانه در جهت خنثی سازی اقدامات مجرمان است (رئیس وائانی، ۱۳۸۳، ص ۲۲).

این گونه اطلاع‌رسانی‌ها در قالب پیشگیری وضعی، با دو شیوه به دنبال تقلیل موقعیت‌ها می‌باشد؛

الف) اصلاح نوع تفکر و چگونگی برخورد و رفتار در موقعیت‌های مختلف توسط بزه‌دیدگان بالقوه، که با توجه به آن، مجرم از به فعل در آوردن اندیشه مجرمانه منصرف شود؛

ب) ارائه راه کار و پیشنهادات محیطی و فنی که با عمل به آن‌ها در آماج‌های جرم، امکان وقوع جرم به دلیل تغییرات محیطی و یا فنی مشکل‌تر می‌شود. اگر چه شیوه اول معمولاً در سطح فردی انجام می‌شود ولیکن شیوه دوم یعنی اطلاع‌رسانی راه‌کارها

و پیشنهادات محیطی و فنی توسط پلیس در سه سطح قابل انجام شدن می‌باشد: (میر محمد صادقی، ۱۳۸۲)

۱- سطح فردی، یعنی آن چه که هر شخص حقیقی یا حقوقی باید با رعایت آن‌ها موقعیت ارتکاب جرم از سوی مجرمان را تقلیل دهد. برای نمونه در جرم سرقت لوازم خودرو با حذف آماج جرم، افراد می‌توانند برای نمونه با برداشتن ضبط خودرو خود و یا در جرم قاپیدن، با استفاده از کارت‌های اعتباری به جای پول نقد و حذف جاذبه مالی کیف‌ها، از امکان وقوع چنین جرایمی بر خود پیشگیری نمایند.

۲- سطح جمعی، مثلاً آن چه که اهالی یک محله یا کسبه یک پاساژ ملزم به رعایت آن هستند. برای نمونه در فروشگاه‌های زنجیره ای، برخلاف مغازه‌های کوچک، نظارت بسیار کم است بنابراین وسوسه سرقت بیشتر است. لذا در این فروشگاه‌ها لازم است تدابیری اتخاذ شود که کفه خطرات جرم را در مقابل منافع و عایدات حاصل از آن، برای مجرمین سنگین کند. به عنوان نمونه می‌توان اقداماتی مانند نصب کلیدهای اعلام خطر، نصب درب‌های ورودی و خروجی برای کنترل لوازم خریداری شده با فاکتورها و یا نصب و تبلیغ تلویزیون مدار بسته اشاره کرد.

۳- سطح ملی، یعنی آن چه بخش‌های دولتی و یا غیر دولتی مانند بانک‌ها و یا شهرداری‌ها باید در محدوده وظایف خود نسبت به آن اقدام کنند. برای نمونه نیروی انتظامی، تذکرات و توصیه‌هایی را در خصوص پیشگیری از سرقت، به اتحادیه درب و پنجره سازان منتقل کرده و آنان را به دگرگونی در ساخت درب و پنجره‌های سنتی ترغیب کرده است که نتیجه آن، ساخت درب و پنجره‌های مشبک، تعبیه شب بند در پشت درب و پنجره‌ها برای نصب قفل بر روی آن‌ها و هم چنین تعبیه مغزی‌ها در ستون درب‌های آهنی است. این امر نهایتاً به کاهش قابل توجه سرقت از منزل در محله‌های استفاده کننده از این نوع درب‌ها، منجر شده است و یا معمولاً اقداماتی که باید توسط شهرداری‌ها انجام شود تا به حفاظت فیزیکی از آماج‌ها منجر شود را می‌توان برای نمونه شامل موارد ذیل دانست:

- بهبود طراحی و ترتیب ایستگاه‌ها، مثلاً کسب اطمینان از این که هیچ نقطه ای وجود ندارد که مجرمان بالقوه بتوانند در آن منتظر فرصت مناسب ارتکاب جرم باشند؛

- اطمینان از استانداردهای بالای روشنایی، پاکیزگی، نگهداری و وضعیت رسیدگی، شامل از بین بردن دیوار نوشته‌ها برای به حداقل رساندن تأثیر آن‌ها و یا روشن نمودن کوچه‌های تاریک و تسطیح مخروبه‌ها. (میر خلیلی، ۱۳۸۸)

اطلاع‌رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی

منظور از اطلاع‌رسانی نحوه ارائه خدمات، ارائه امور مربوط به مستندات، روش انجام کار و...، از طریق کلیه وسایل عمومی، رسانه‌ها، موسسات، فنون و طرق مختلف تولید نشر اطلاعات توسط دستگاه‌ها و مراکز اطلاعاتی است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴، ص ۱۳۲).

با توجه به حیطة عملکرد پلیس که کلیت جامعه را در بر می‌گیرد، اطلاع‌رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی شامل مستند و مکتوب کردن خدمات و طرح‌های پلیسی و اطلاع‌رسانی آن به کلیت جامعه می‌باشد. اهداف این گونه اطلاع‌رسانی عبارتند از:

۱- افزایش رضایت‌مندی مردم؛

۲- کاهش برخوردهای اجتماعی پلیس؛

۳- افزایش همکاری و مشارکت مردم؛

۴- پیشگیری از وقوع جرم؛

پیشگیری از وقوع جرم به عنوان یکی از اهداف اطلاع‌رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی مطرح می‌باشد. توضیح این که در وقوع برخی از جرائم ضعف و یا ضعیف پنداری مجنی‌علیه در عدم پیگیری جرم نقش زیادی دارد. از عمده دلایل آن می‌توان چنین اشاره نمود که یا پیگیری برای جرم دیده از آن چنان ارزشی برخوردار نمی‌باشد که بخواهد وقت و مال خود را صرف آن بکند و یا این که احساس گرفتاری و تحمل مشقت رجوع به پاسگاه و کلافه شدن در راهروهای دادگستری و یا تحقیر شدن در آن محیط‌ها و سیر طولانی عدم حصول نتیجه، آنان را از پیگیری جرمی که بر آن‌ها واقع شده باز می‌دارد. این عوامل برای مجرمین امنیت ارتکاب جرم را به ارمغان می‌آورد (سلیمانپور، ۱۳۸۴، صص ۱۳۱ و ۱۳۲) و در سایه امنیت ایجاد شده، آن‌ها را به ارتکاب جرایم بزرگ‌تر تحریک می‌کند.

یکی از راه‌های تقلیل این وضعیت، اطلاع‌رسانی خدمات و طرح‌های انتظامی می‌باشد، با آگاه‌سازی مردم از چگونگی مراحل، مکان و زمان اجرای خدمات انتظامی و قوانین و مقررات مرتبط و...، مردم آموزش دیده و از نظر ذهنی توانمند می‌شوند لذا با توانمندسازی در نتیجه آگاهی حاصل از اطلاع‌رسانی پلیس، مردم در هر جرمی حتی کوچک می‌دانند برای شکایت چه مرحله‌ای را در کلانتری و پاسگاه طی نمایند و در نتیجه مسیر را دشوار، پیچیده و غیر قابل پیش بینی تصور نمی‌کنند که از شکایت صرف‌نظر نمایند. این عامل کاهش جاذبه‌های جرم برای مجرمین به همراه داشته و نقش موثری در پیشگیری از وقوع جرایم بر عهده دارد (کریمی خوزانی، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

دیگر این که در شرایط عدم اطلاع‌رسانی و یا اطلاع‌رسانی ناقص امکان تخلف کارکنان وجود دارد ولیکن برای نمونه با اطلاع‌رسانی مدارک و هزینه مورد نیاز برای دریافت خدمت و هم چنین مشخص شدن نوع و میزان جریمه پرداختی در طرح‌های انتظامی این احتمال به مراتب کاهش می‌یابد. (همان منبع، ص ۱۳)

نتیجه‌گیری

پلیس برای تحقق امنیت پایدار ضمن بازتعریف مفهوم جرم و انتصاب اعمال مجرمانه به موارد مغایر هنجارها و معیارهای مورد پذیرش جامعه، گستره وسیعی از مسایل و نگرانی‌های شهروندان از جرائم اساسی مانند سرقت، تجاوز به عنف و...، تا مسایل خرد و کوچکی مانند آزار همسایه‌ها به دلیل سر و صدای همسایه دیگر را جرم محسوب نموده و از طرف دیگر ضمن توجه به علل شکل‌گیری جرائم، اقدامات پیشگیرانه خود را در قالب پیشگیری غیرکیفری (اجتماعی و وضعی) برنامه ریزی می‌نماید.

در این نوع پیشگیری، پلیس در مواردی به عنوان مشاور و رهبر وارد حیطه مدیریت و سیاست‌گذاری از نوع پلیسی می‌شود یعنی ارتقاء سطح آگاهی‌های جامعه و راهبری آن‌ها به سمت مسیری که در نتیجه آن، از جرم و جنایت پیشگیری شود. در این مسیر در گام اول زمینه‌های ارتکاب جرم، شناسایی شده و در گام بعد موضوعات مختلف اطلاع‌رسانی تعریف می‌شود.

با اطلاع رسانی انتظامی، پلیس می‌تواند امنیت پایدار را در سطح جامعه توسعه داده و به طور غیر مستقیم زمینه‌های ارتقاء اقتدار خود را موجب گردیده و از طرف دیگر موجبات افزایش ضریب رضایت‌مندی مردم از پلیس را موجب شود.

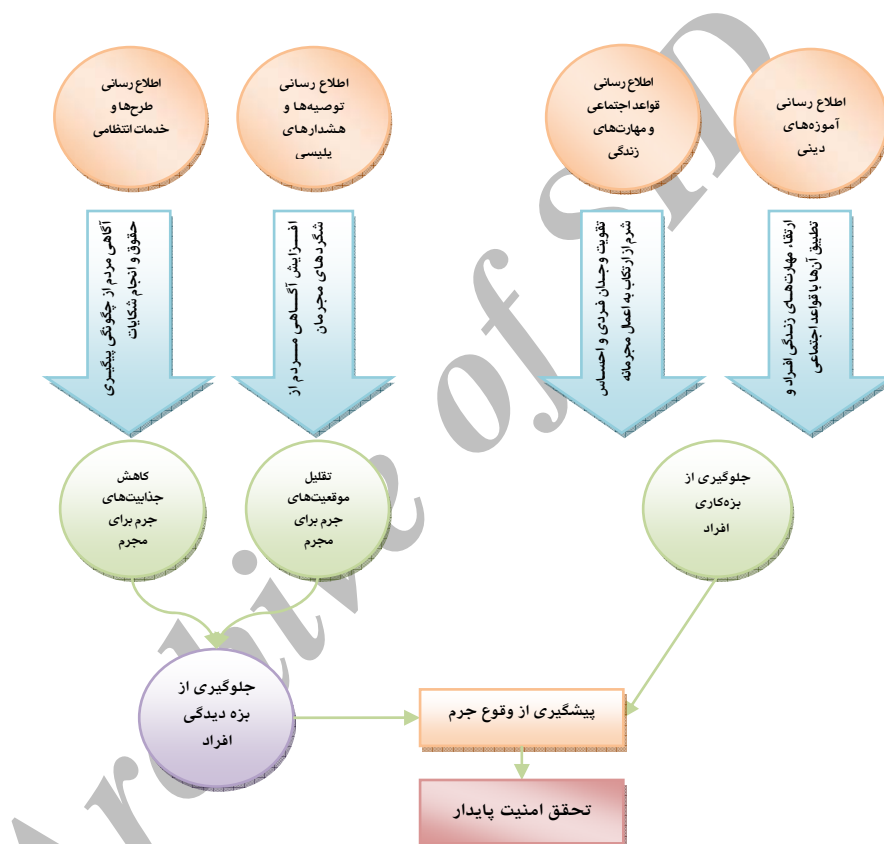
همان طور که در جدول شماره (۱) به آن اشاره شده است زمینه‌هایی که باعث شکل‌گیری مجرم و یا ارتکاب جرم می‌شود را می‌توان با موضوعات مختلف اطلاع‌رسانی مورد توجه قرار داد؛ به طوری که در اطلاع‌رسانی قواعد اجتماعی و آموزش مهارت‌های زندگی و هم چنین اطلاع‌رسانی آموزه‌های دینی که در ردیف یک و دو جدول ارائه شده است از امکان بزه کاری افراد جلوگیری می‌شود ولیکن در اطلاع‌رسانی توصیه‌ها و هشدارهای پلیسی و اطلاع‌رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی که در ردیف سه و چهار جدول بیان گردیده است از ارتکاب جرم با تقویت بزه دیدگان بالقوه، جلوگیری می‌کند.

جدول شماره (۱): زمینه ارتکاب جرم و موضوع اطلاع‌رسانی مرتبط با آن

ردیف	زمینه‌های ارتکاب جرم	موضوع اطلاع‌رسانی
۱	ناتوانی‌های فرد در حل مشکلات زندگی به دلیل فقدان آگاهی نسبت به قواعد اجتماعی و عدم دارا بودن مهارت‌های زندگی	اطلاع‌رسانی قواعد اجتماعی و آموزش مهارت‌های زندگی
۲	راضی شدن وجدان مجرم به اعمال مغایر با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به دلیل عدم آگاهی و یا فراموش نمودن ارزش‌های مذهبی و اخلاقی	اطلاع‌رسانی و بیاد آوری آموزه‌های دینی
۳	تحقق فرصت ارتکاب جرم به دلیل ایجاد زمینه‌های وضعی	اطلاع‌رسانی توصیه‌ها و هشدارهای پلیسی
۴	امنیت مجرم در جرائم خرد و اقدام آن‌ها به ارتکاب جرایم بزرگتر به دلیل عدم شکایت بزه دیده در جرایم اولیه به علت فقدان آگاهی نسبت به چگونگی شکایت	اطلاع‌رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی به منظور شفاف سازی قوانین، وظایف پلیس و مراحل انجام کار و...

در شکل شماره (۱) نیز شمای ارتباط اطلاع‌رسانی انتظامی با تحقق امنیت پایدار بیان گردیده است؛ اطلاع‌رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی و هم چنین اطلاع‌رسانی توصیه‌ها و

هشدارهای پلیسی مانعی در جهت بزه دیدگی افراد می‌باشد و اطلاع‌رسانی و یادآوری کردن آموزه‌های دینی و هم چنین اطلاع‌رسانی قواعد اجتماعی و آموزش مهارت‌های زندگی از بزه‌کاری افراد جلوگیری می‌نماید.



شکل شماره (۱): شمای ارتباط اطلاع‌رسانی انتظامی با تحقق امنیت پایدار

این دو عامل یعنی جلوگیری از بزه‌کاری و هم چنین بزه دیدگی افراد، پیشگیری از وقوع جرم را به صورت مطلوب فراهم آورده و تضمین کننده تحقق امنیت به صورت پایدار می‌باشد.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز از مدت‌ها قبل، به اطلاع‌رسانی انتظامی کم و بیش توجه داشته و اقداماتی را در این راستا برنامه‌ریزی کرده است. به طوری که با بررسی انواع موضوعات اطلاع‌رسانی و مطابقت آن‌ها با اقدامات کنونی نیروی انتظامی می‌توان گفت که اطلاع‌رسانی قواعد اجتماعی و آموزش مهارت‌های زندگی توسط معاونت اجتماعی و هم‌چنین اطلاع‌رسانی توصیه‌ها و هشدارهای پلیس به بزه دیدگان بالقوه با کوشش معاونت اجتماعی و پلیس پیشگیری ناجا در حال انجام می‌باشد. ولیکن اطلاع‌رسانی طرح‌ها و خدمات انتظامی و هم‌چنین اطلاع‌رسانی آموزه‌های دینی در راستای پیشگیری از وقوع جرم در سطح جامعه مورد توجه نیرو نبوده است.

البته این گونه اقدامات اطلاع‌رسانی، نیازمند همکاری و مشارکت سایر رده‌های نیرو و به عبارت دیگر بسیج پلیس در این مسیر می‌باشد. بدین منظور لازم است نظام جامع اطلاع‌رسانی پیشگیری از وقوع جرم تحت مدیریت و سیاست‌گذاری معاونت اجتماعی و پلیس پیشگیری ناجا تشکیل شود و در خصوص اطلاع‌رسانی آموزه‌های دینی از توانمندی بالقوه سازمان عقیدتی و سیاسی ناجا با واگذاری وظایف برون سازمانی و در قالب همکاری با معاونت اجتماعی استفاده شود.

منابع:

- آندرسون، تری (۱۳۸۳)، هر افسر یک فرمانده، مترجم مریم بغدادی، تهران، مرکز فن آوری آموزش ناجا.
- بیات، بهرام؛ شرافتی پور، جعفر؛ عبدی، نرگس (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، تهران، معاونت اجتماعی ناجا.
- پروین، ستار (۱۳۸۵ و ۸۶)، پیشگیری از جرم با تاکید بر پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۸ و ۹، ۱۵۲-۱۳۷.
- خیرآبادی، عیسی (۱۳۸۶)، نقش پلیس در امر پیشگیری از جرائم، فصلنامه نظم و امنیت، شماره ۱، ۱۳۵-۱۲۳.
- رئیسی وانانی، رضا (۱۳۸۳)، بررسی اثربخشی آموزشهای همگانی نیروی انتظامی در پیشگیری از سرقت منازل، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۳، صص ۴۱-۱۱.
- رجیبی پور، ابراهیم (۱۳۸۸)، پیشگیری انتظامی شهروند مدار، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم- پیشگیری انتظامی از جرم، تهران، معاونت آموزش ناجا.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۴)، مصوبات برنامه اصلاح فرایندها و روشهای انجام کار از هفت برنامه تحول در نظام اداری (جلد ۲-۶)، تهران، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- سلیمانپور، محمد جواد (۱۳۸۴)، رابطه امنیت اجتماعی با ناامن سازی محیط جرم برای پیشگیری از جرائم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳ و ۲، صص ۱۴۰-۱۲۳.
- عبدی، نرگس؛ شرافتی پور، جعفر (۱۳۸۵ و ۸۶)، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محورتاملی بر نقش پلیس در پیشگیری اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۸ و ۹، صص ۱۹۶-۱۷۹.
- غلامی، حسین (۱۳۸۸)، شرم و پیشگیری از تکرار جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۰، صص ۸۵-۵۵.

- کریمی خوزانی، علی (۱۳۸۵)، پلیس، توصیه‌های انتظامی و فرهنگ سازی، نگهبان انقلاب اسلامی، شماره ۹۸، ۲۱-۲۰.
- کریمی خوزانی، علی (۱۳۸۸) چگونگی شفاف سازی طرح‌ها و خدمات پلیس برای جامعه، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، شماره ۲۳، صص ۲۰-۷.
- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۸)، تبلیغات پیشگیری انتظامی از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۰، صص ۱۲۵-۱۰۳.
- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۶)، اصول و مبانی نظریه فرصت جرم، فصلنامه حقوق، شماره ۳، ۳۲۲-۲۹۳.
- محمدی خامنه، علی گل (۱۳۸۴)، پیشگیری از جرائم، تهران، جهان جام جم.
- معاونت اجتماعی ناجا (۱۳۸۳)، سیمای تحولی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران گام‌هایی در تحقق امنیت پایدار، تهران، معاونت اجتماعی ناجا.
- میرخلیلی، محمود (۱۳۸۸)، نقش تقویت حفاظتی آماج‌ها در پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۰، صص ۵۴-۲۷.
- میرمحمدصادقی، محمدحسین (۱۳۸۲)، پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره ۲، صص ۳۱-۱۴.
- وروائی، اکبر (۱۳۸۴)، پلیس جامعه محور مطالعه تطبیقی شیوه‌های جلب مشارکت مردمی در تامین نظم و امنیت اجتماعی، تهران، معاونت سیاسی عقیدتی سیاسی ناجا.
- هس، کارن، میلر، لیندا (۱۳۸۲)، پلیس در اجتماع راهبردهای برای قرن بیست و یکم، ترجمه رضا کلهر، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- Clark, Ronald (1997), *Situational Crime Prevention Successful Case Studies*, New York, Harrow and Heston publishers.